

نمونه رایگان قبل از خرید

بخشی از جزوه، خلاصه و نکات مهم اصول فقه ۱

برگرفته شده از کتاب: اصول فقه کاربردی جلد ۱ و ۲ دکتر سعید شریعتی، حسین قافی

ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور

«فصل دوم: مباحث الفاظ»

مبحث اول) وضع و استعمال الفاظ

(۱) منابع اصلی علم فقه ← کتاب سنت اجماع عقل

(۲) علم اصول ← در این علم، روش‌های استنباط احکام شرعی از ادله بررسی می‌شود. کتاب، سنت، اجماع و عقل، موضوع اصلی علم اصول است.

* نکته مهم: در میان ادله اربعه، کتاب و سنت هر دو دلیل لفظی‌اند، و اهمیت بیشتری دارند.

(۳) فهم دقیق ادله لفظی و شناخت قلمرو گسترده آن ← نیازمند آشنایی با فنون و قواعدی است که در ضمن مباحث الفاظ بررسی می‌شود.

(۴) زبان ← به بیان ساده دستگاهی است از علائم آوایی قراردادی که برای ایجاد ارتباط بین انسان‌ها به کار برده می‌شود.

(۵) عقیده صاحب نظران درباره ارتباط میان لفظ و معنا ← به عقیده آنان هیچ ارتباط نهفته و رابطه ذاتی و اجتناب ناپذیری بین الفاظ و معنایی که بر آن دلالت می‌کند وجود ندارد، و پیوند میان افظ و معنا، اعتباری و قراردادی است.

(۶) تعاریف وضع ←

در لغت به معنای قرار دادن است

در اصطلاح فرآیندی است که به صورت آگاهانه یا ناخود آگاه طی زمان به پیدایش پیوند عمیق بین لفظ و معنا می‌انجامد و به موجب آن لفظ برای دلالت بر معانی قرار داده می‌شود.

(۷) وضع از نظر اصولیان ← اصولیان به عمل قرار دادن الفاظ و کلمات برای رساندن معانی و مفاهیم وضع می‌گویند.

(۸) اقسام دلالت الفاظ بر معانی ←

موضوع: لفظی را که برای دلالت بر معنا قرار داده شده، موضوع می‌گویند.

موضوع له: معنایی را که لفظ برای دلالت بر آن قرار داده شده، موضوع له می‌گویند.

واضع: فرد یا افرادی را که در فرآیند وضع نقش داشته‌اند، واضع می‌نامند.

۹) اقسام وضع ← وضع تعیننی وضع تعینی

۱۰) وضع تعیننی ← آن است که لفظی را برای معنایی مشخص تعیین کنند و در برابر آن قرار دهند. وضع تعیننی، برآمده از اراده فرد یا افراد خاص است؛ یعنی فرد یا افرادی به صورت آگاهانه برای انتقال یک مفهوم یا اشاره به فرد شیء یا مکان خاص، لفظی را برگزینند.

۱۱) وضع تعینی ← آن است که لفظی در برابر یک معنا به صورت مکرر استعمال می‌شود، بدون آنکه پیش‌تر برای این معنا به صورت مستقیم وضع شده باشد و به تدریج در اثر کثرت استعمال، علاقه و پیوندی خاص بین لفظ و معنا در ذهن افراد ایجاد می‌شود، طوری که هرگاه آن لفظ بدون قرینه به کار رود، آن معنا به ذهن خطور می‌کند.

۱۲) اقسام لفظ و معنا از نظر وحدت و تعدد ←

یک لفظ — یک معنا (مختص)

چند لفظ — یک معنا (مترادف)

یک لفظ — چند معنا (چند معنا)

۱۳) لفظ مختص ← اگر لفظی بر یک معنا دلالت کند، آن را مختص یا تک معنا می‌نامند. مانند: کتاب، مالک، تهران

۱۴) انواع لفظ مختص ←

لفظ مختص ممکن است بر یک معنی جزئی دلالت کند و یک فرد و مصداق معین بیشتر نداشته باشد، مانند اسم معرفه و علم: اصفهان، انوشیروان، احمد و ...

لفظ مختص ممکن است بر یک معنای کلی دلالت کند.

۱۵) لفظ مترادف ← اگر دو یا چند لفظ دارای یک معنا باشد، یعنی چند لفظ برای یک معنا وضع شده باشد، آن الفاظ را مترادف یا هم معنا می‌گویند. مانند: علم و دانش، انسان و بشر. ادعای ترادف بین دو یا چند واژه نیارمند دقت و تأمل کافی است.

۱۶) کلمات مترادف در قانون ← براساس رأی شماره ۷۴ هیئت دیوان عالی کشور مورخ ۲۷/۱۰/۴۶: ذکر کلمات مترادف و دارای مفهوم واحد در قانون غیر معقول است.

۱۷) لفظ دارای چند معنا ← واژه‌هایی هستند که در چند معنا به کار می‌روند و به این امر چند معنایی گویند و چنین کلماتی را چند معنا می‌نامند.

۱۸) انواع واژگان چند معنا ← مشترک منقول حقیقت و مجاز

۱۹) لفظ مشترک ← هرگاه یک لفظ در ابتدا برای چند معنای متفاوت به صورت جداگانه وضع شده باشد آن را مشترک می‌نامند. مانند: عین در زبان عربی، شیر در زبان فارسی، حقوق و ...

۲۰) قرینه معینه ← برای به کار بردن لفظ مشترک حتما باید قرینه‌ای وجود داشته باشد که معلوم شود کدام معنا اراده شده است؛ در غیر این صورت لفظ مشترک، مبهم و مجمل خواهد بود. این قرینه را قرینه معینه می‌نامند.

۲۱) مشترک معنوی ← لفظی که دارای یک معنای کلی است و بر افراد زیادی صدق می‌کند. مشترک معنوی از اقسام لفظ مختص است زیرا تنها یک معنا دارد. مانند لفظ انسان که دارای یک معنا است اما شامل افراد متعدد (مریم، حسن، احمد و ...) می‌شود.

۲۲) لفظ منقول ← اگر پس از آنکه لفظی برای معنایی وضع شد، به واسطه وجود مناسبتی به معنای جدیدی انتقال یابد و برای معنای دوم وضع گردد، آن را لفظ منقول می‌نامند. مانند: لفظ نماز در لغت فارسی به معنای پرستش، نیاز و بندگی و اطاعت است اما سپس برای اشاره به عبادت خاص مورد استفاده قرار گرفته و به اصطلاح (نقل) داده شده است.

۲۳) انواع لفظ منقول ←

منقول شرعی: اگر ناقل (واضع جدید) شارع باشد و لفظ را از معنای قبلی آن به معنای جدید منتقل و در معنای جدید وضع کند در این صورت لفظ را منقول شرعی می‌نامند. مانند: لفظ حج

منقول عرفی: اگر ناقل (واضع جدید) عرف باشد، لفظ را منقول عرفی می‌گویند. مانند: لفظ حیوان

۲۴) حقیقت و مجاز ← اگر لفظی در چند معنا به کار رود، اما تنها برای یکی از معانی وضع شده باشد و در معنای دیگر به دلیل مناسبت داشتن استعمال شود، حقیقت و مجاز مطرح است.

۲۵) حقیقت ← اگر لفظ در همان معنای اصلی و موضوع له خود به کار رود، حقیقت است و یک استعمال حقیقی در معنای حقیقی صورت گرفته است.

برای دانلود فایل کامل این محصول، به سایت بژیک

www.bzhik.ir مراجعه و عنوان محصول را جست و کنید